

بنام خداوند بگای کریم

①

خدمت ذمیرت دانشندان و مشایخ ملت فحیمه بنی اسرائیل عرض شود
که خداوند جل ذکرة در ازمان سابقه این طایفه جلیله را بر ارباب توحید
و خداشناسی ایت فرمود و از سنگ پتروش صنم که در آن
هنگام دین عموم اهل عالم بود مظهر ساخت و بنی اسرائیل را قوم
مخصوص و خواند و با آن تخصیص ایشان را بر کل ملل و قبایل برتری داد
و بتوسط سز و پغمبران موسی علیه السلام کتاب مستطاب توره که نور
عالم و راهنما شده امم است نازل فرمود و شریعت مقدسه را در این
کتاب مونس و محکم ساخت و پس از وفات این پغمبر عظیم ایشان
و ارتقای آن حضرت بمقام قرب حضرت سبحان این دین پیرا
در هر قرن فرمان پغمبران بزرگ مومید ساخت تا مدت کیمزار پانصد

برایشان که اکنون معروف بر سائل اینیاست منور و منقح بود و چون
انسان بصیر بشمارد در این کتب مقدسه توره و در سائل اینی
بلاحظه نماید خواهد یافت که خبر بزرگی که در تمامی این کتب است
اینست که عصای سلطنت بنی اسرائیل خواهد شکست و پادشاهی
انقراض خواهد یافت و در اقطار عالم از مشرق تا مغرب بر آن
خواهد شد و تا مدت طولانی که آغاز و انجام آن نزدیک است
معیض و مورخ است بیلاهای صعب گرفتار خواهند شد و
شهرهای ایشان خراب و ویران خواهد گشت و اورشلیم ما ببال
قابل خواهد گشت تا آنکه بزرگی از جانب خداوند بر بونیت کبر
بعوث گردد و بنی اسرائیل را از ذلت و گرفتاری نجات بخشد
و بر ارباب عنت و بزرگی نایل فرماید و هیچ طوائف عالم را بر
دین مذهب متفق گرداند و بنی اسرائیل را رتبه و راشت از
و بد است عباد عنت فرماید و با کجا در مراتب

مذکور بود و توقف حاصل شد و عرض میدارم که در این قرن سیر
 و یوم عزیز اهل بعب مدعی بر آنند که میعاد ظهور این وعده مبارکه
 فرارسیده است و وجود مبارکی که نجات کل اهل عالم موقوف
 بطهور او بود از مشرق عالم طالع شده و سطوت و اقتدار او
 با وجود معانیت کل ملل در تمام بلاد ظاهر گشته یعنی نیز
 وجود مسعود و بختاء الله در سنه هزار و دویست و هشتاد و
 پنج هجری در اراضی مقدسه و بر تپه اشام در شهر عکا که در جل
 کوه کرمل است خداوند با عظم اسماء و ربوبیت کبری ظاهر فرمود
 کلام الهی و وحی آسمانی را باینجی که در توراته وعده داده شده
 بر لسان مبارکش نازل نمود و شریعت مقدسه که هدایت
 بخش عالم و محل اتفاق امم تواند بود و مشتمل است بر صلوة
 و صوم و تمامی آداب عالیله انسانیه و معالی صفات و کمالات

Manifestation
 Bahá'í
 A.H.
 1861

اهل عالم در کتاب مستطاب اقدس مؤسس داشت و کلمه نافذه اش در این
 مدت قلیله که قریب است و پخمال است بدون وسایط بیکی
 از غنث و ثروت و سیف و امثالها در اکثر بلاد غالب گشته
 و بادشمنی و مخالفت اکابر هر ملک و ملت از سلاطین و ملوک
 و علماء و امراء حتی عامه رعایا امر مبارکش در اکثر ممالک نافذ
 و رحمت و برهان ظهورش در آداب قلوب صافیه و نجای
 مذهب و ملت مقبول و روشن گشته بنا بر آنچه عرض شد
 ما را در سه مقام تکلم نماید و شاید بخوانست خداوند ملت عزیز
 اسرائیل بسبب نجات راه جویند و از ظلم قبائل و گرفتاری بدست امم
 رسنگاری بماند و این سه مقام که در آن تکلم میشود عبارتست
 از بیان و دلیل و تمجید شریعت و بشارات مهر کتب مقدسه
 بر این ظهور عظیم و الله بیدی من یشاء الی سبلة الواضح المستقیم

1310/1892-93

حجت چه باید باشد و بجهت دلیل صدق قول و رسالت او بر طاعت
 مستعد واضح و معلوم گردد در این مقام معروض میدارم
 که آنچه عموم اهل عالم حجت و دلیل پیغمبران دانسته اند معجزات است
 بدون آنکه تکرار و تکرار نموده باشند در اینکه آیا معجزات مطلق است
 یا نه و بر فرض امکان مفید فایده در تکمیل روح و تحصیل حیات
 جاوید است یا مفید نیست و آیا کتب مقدسه تصدیق بر حجت آن
 نموده یا ننموده و لکن اهل تحقیق دانسته اند که حجت هر پیغمبری منحصر به است
 که خداوند با وعایت فرموده و هر حجتی که خداوند بر رسول خود عطا
 فرموده بان کل اهل عالم عاجز خواهد نمود که شواهد مثل آن بیاورند و مانع غلبه
 امر او گردند و ما چون در کتاب مقدس توره نظر کنیم توایم دانست
 که حجت همانست که خداوند بموسی علیه السلام عطا فرمود چنانچه در
 توره در سفر خروج در فصل ۳۳ آیه ۱۱ میفرماید پس حال با ما تورا
 ببرد فرعون بنی اسرائیل را از مصر بیرون آور
 و در آنجا که ایستادند و ایستادند و ایستادند

Exodus

آورم (۱۲) خدا فرمود الله با تو خواهیم بود و این برایت عکاس
 خواهد شد که ترا فرستادم پس کما میگوید این قوم را از مصر بیرون آورده باش
 خدا را بر این گوه عبادت خواهی کرد انتهی و ما چون در کتاب
 مقدس توره نظر نمایم توایم دانست که حجت هر پیغمبری که بعد از
 حضرت کلیم ظاهر شود کلام الهی و وحی آسمانی خواهد بود و بان معجزه بر
 و حجت روشن خداوند در این ادراغ غالب خواهد فرمود چنانچه فصل
 ۱۸ از سفر توره مشی از آیه (۱۸) تا آخر فصل میفرماید از برای
 ایشان پیغمبر را مثل تو از میان مردان ایشان مبعوث خواهم
 کرد و کلام خود را به بانس خواهیم گذاشت تا هر آنچه با ما فرمایم
 بایشان برساند (۱۹) و واقع شود شخصی که کلمات مراد
 با اسم من میگوید نشود من از او تقیثش خواهم نمود (۲۰) اما پیغمبر
 اگر مکتوب را در دست خود بگیرد و آنرا بخواند و آنرا بخواند

Deuteronomy, xviii,
18 - 22.

لفظ نماید آن پنجمه البتة می رود ^(۲۱) و اگر در قلب بجوی کلامی که او

نخسته است چگونه بدانم ^(۲۲) چنانچه پنجمی خبری بنام خدا بگوید و پنجر

واقع نشود و با انجام زنده این امر است که خداوند فرموده است

بلکه آن پنجمه از الزروی غرور کشته است از او مترس استی ^(۲۳) ارمای

این وحی مبارک معلوم میشود که خداوند اخبار فرموده است از پنجمه ^(۲۴)

راستگو و پنجمه آن دروغ گو و میزان معرفت و دلیل صدق پنجمه صادق

نزول کلام الهی بر لبان او مقدر فرموده و میزان معرفت و شاک ^(۲۵)

کلام خداوند را کلام غیر خداوند این نکته را مقرر داشته است

اگر آنچه فرمود در عالم تحقق یافت و حکم او غالب و نافذ شد کلام خدا

و الاکلام شبر است ^(۲۶) و پس از شرح این وحی معجزات دلیل پنجمه ^(۲۷)

تواند بود و الا حضرت موسی فرمود اگر پنجمی خبری باسم من بگوید

و در قلب مژده باشی از او معجزات بطلب پس چون حضرت کلیم از معجزه

چیزی فرموده و آنرا میزان قرار فرموده ما را نمی رسد که دلیل پنجمه ^(۲۸)

گذاشته از تصدیق توراة بر حجت کلام الهی و حجت نبودن معجزات

عقل سلیم شهادت میدهد که معجزات دارای فواید مانند کلام الهی نیست

بزرگ کتاب خداوند مفید فواید علم و شریعت و توحید و معرفت تواند

بود و بدست هر کسی تواند رسید و زمانهای طولانی باقی تواند ماند

تا حاضر و غایب و موجودین و معدومین که بعد ^(۲۹) بوجود آید

کل تواند بر حجت الهی آگاهی یابد و از تلاوت آن کلمات روحانی

آنچه را موجب حیات جاوید و زنده گی ابدیت حاصل نمایند

و سایر معجزات بچک بر اینکه نیست و دارای این فواید ^(۳۰) نیز چه

فی الشل اگر مرده زنده کرد و یاد رخصی بکلم آیه مفید هیچ فایده از فواید

مذکوره نخواهد بود و بسیار بلاد برای هدایت عبادتوان و ^(۳۱) ستاد

و باقی نخواهد ماند تا حجت بر آینه کائنات تمام شود و درین خداوند ^(۳۲)

احاطه نماید پس روشن شد که آنچه در عالم موجود است هیچ خبر

ادرت و شرافت علماء کتاب است که حجت و دلیل پنجمه ^(۳۳)

فرموده شعر کردی گوهری در ای سخن آن فردو آدمی بجای سخن
و اضافه بر این دو دلیل عقلی و نقلی که هر یک شخص منصف را کافیت
در اثبات کلام الهی و حجت بودن معجزات و چون انسان نفس بسیار
درست ملاحظه نماید خواهد یافت که خواستن معجزات از بسیار
امتحان نمودن خداوند است زیرا که امتحان نمودن ذات غیب
الهی بوجهی مقبول و معقول نیست جز با امتحان نمودن احوال و مظاہر احوال
خداوند سفر کتاب شنی در فصل (۱) آیه ۱۷۱ میفرماید خداوند خود را
امتحان نماید چنانچه در مضمون امتحان نمودید پس نباید ما معجزات را
حجت قرار دهیم و پیغمبر از امتحان کنیم چنانچه بیت پرستان
و مغروران هر زمان امتحان کردند و کافر شدند و ما نیز امتحان
کنیم و کافر شویم در روش مستکبران پیش از روش خود کردیم
و از آن حاکم که ایشان آشنایند ما نیز پاشیم و کراه شویم چنانچه
در توره در سفر (۱۴) در فصل (۳) آیه ۱۴۱ میفرماید
و ایک شمار جای بد پران خودتان کرده مردمان غاصی بر حوائج

بعد از آنکه جمیع لوازم دینیة تکلیفی در کتاب بیان شده و تمام بایحتاج این
من حیث الاصل و الفرع در توره مقدس نازل گشته چنانچه هر است
خداوند تبارک و تعالی چنانچه در توره با جمیع طرق نجات را در فرود
که متعلق عبادت است و معاملات بیان فرموده البته بایحتاج بشر را
در اصول که عبارت است از معرفت پیغمبران و چگونگی حجت دلیل
ایشان نیز بیان فرموده و عباد خود را سر خود و حیران و اگدا گشته
است و با جمله مقصود از تطویل کلام در خدمت مشایخ
فحیمه اسرائیل است که در یابند که چون خداوند جل و ذکره جمیع لوازم
دینیة ما را اصلاً و فرعاً در توره مقدس بیان فرموده و ذکر می از آنکه
حجت پیغمبران معجزات نفرموده و ما آپس خود نمویانیم از حجت
قرار دهیم و بان اخبار امتحان نیمیم و الاظا هر است که پیغمبر
خاصه سل و صاحبان شریعت مظاہر قدرت و اقدار خداوندند
و بر هر معجزه قادر و توانایند و بر هر چیز باذن الهی مقدر و حاکم و فرمان

مقام دوم در اینست که آیا شریعت تورات بطور پیغمبری از جانب خدا
 جایز است تغییر یابد و شریعت مقدسه بطور جدید لباس جدید پوشد
 اولاً چون در این مقام اندکی تفکر نمایم یقین خواهیم نمود که نهایت کوشش
 که بر اوست در شناختن نفس پیغمبر است نه احکام او زیرا عقل مستقیم
 شهادت میدهد که اگر بدلیل ثابت شد و بیرون محض گشت که پیغمبری که از جانب
 خداوند مبعوث شده الطاعت او لازمست و در حکم او ولو هر چه باشد
 چون چرا جایز نیست ثانیاً در کتاب مستطاب توره در سوره
 انبیا تصریح شده بتجدید شریعت مثل اینکه در توره فرموده است
 ایشان از میان برادرانشان پیغمبری مانند تو مبعوث خواهم نمود
 و معقول نتواند بود جز آنکه آن پیغمبر در حکم و اقتدار مانند حضرت
 موسی باشد چه ظاهر است که اگر نفسی در او این قدرت نباشد
 که دینی تشریح کند او مثل موسی نبوده است و رتبه او را نخواهد داشت
 و این مطلب در نهایت و صریح است که سلطان کسی است که خود

و احکام ما پادشاهی فیکر مگردند و اما در سائل انبیا صریحاً و اصل توره
 بر تجدید شریعت اخبار وارد شده از جمله فصل ۲۱ کتاب انبیا فی زمانه کلامی که
 با انبیا پس از آن در باره یهود آورده شد و در این است که در ایام اخیر
 واقع میشود که کوه خانه خداوند را جمع کوهها و قلهها و قلهها را برافروشد
 و تمامی طوائف بسوی آن روان خواهند شد و قوهای پشمار روانه خواهند
 گشت که پیاسه تا کبوه خداوند و سجانه خدای یعقوب بر ایم که او راه
 نایش را بجا نموده در طرائق او گردش نمایم زیرا که شریعت او حیثون
 و کلام خداوند از او شلیم بیرون خواهد آمد (۲۳) و او در میان
 خلایق حکومت نموده و قوهای پشمار را تهنه خواهد ساخت و ایشان را
 خود را بجا و آهین نیزه های خود را باره بدل کرده قوم بعوم همسیره
 بار دیگر حکمرا نخواهند آموخت انستی این وحی مبارک صریح است
 اینکه در آخر الزمان ظهوری بزرگ در کوه مقدس کرمل که بیت المقدس
 و حکما و حیفاد در حوال آن واقع است ظاهر خواهد شد و انظهور موجب
 از نقاشان و اشهارا ذکر علوم منزلت کوه کرمل خواهد گشت و

انجمن اعظم بلاد مقدسه مسافرت خواهند نمود که شریعت و کتاب است
 از او استماع نمایند و انظور بزرگ نوعی کل علی را تربیت خواهد فرمود
 که جنگ و جدال بکلی از عالم زایل خواهد گشت بلکه آلات حربیه
 با دوات کسبیه مبدل خواهد شد پس از صریح این کلام باید شریعت
 مآله که موجب حرام بودن جنگ و قتال است در اراضی مقدسه
 برپا شود و این شریعت معلومست که بظاہر غیر از شریعت مقرره
 در توره است زیرا که آن شریعت در حرب بر حضرت کلیم
 نازل شد و قتال در وی حرام نبود و این شریعت در حیوان باید ظاهر
 شود و موجب فراوشی جنگ و جدال گردد و این وحی مبارک را
 عیسویان بر ظهور حضرت عیسی علیه السلام حمل نموانند نمود چه که در ظهور
 آن حضرت قومهای پشمار برای زیارتش بکوه کرمل مسافرت نمودند
 و این کوه معدس معروف اهل عالم در زیارت گاه تمام امم نخست
 و نیز جنگ و جدال تعلیمات او از عالم برینقا و آلات حرب

۷۸

که امت آنحضرتند تحصیل یافت و نیز در آیه (۱) از فصل ده
 کتاب اشعایع فرماید یا بان در زمین خشک و شادمان و صحرا سرد
 مثل کل سکوفه خواهد نمود (۲) و نیز زیادتی سکوفه نموده بلکه سرد
 سرد و خرمی خواهد نمود و شکست بنان در زینت کرمل و شادان
 بان عطا کرده خواهد شد و ایشان حلال خداوند و عظمت خدای ما را
 خواهند دید (۳) دستهای ست را قومی در زانوهای لغزنده را
 محکم سازید (۴) و بدل طمیدہ کان بکوشد که تو شدہ ستر سید
 اینک خدای شما بخصوص اشقام و خدا چه نمرامی آمد بلکه آمده شمارا
 نجات خواهد داد (۵) آنجا چنان گوران مفتوح و کوشها
 کران باز خواهد شد (۶) از زمان لنگ شل غزال بر خواهد
 چید و زبان لنگ تر تم خواهد نمود زیرا آبهادر پیا بان در دوا
 در صحرا جاری خواهد شد و نیز در فصل (۳) کتاب حضرت
 در آیه (۱) از فصل ده

که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهود عهد تازه را خواهم بست (د ۳۲)
نه مثل عهدیکه با پدران ایشان بر روزیکه ایشان را جته پرون آوردن از زمین
مصر دست گرفته بستم و ایشان عهد مرا شکسته خداوند میفرماید که از برای
ایشان بجای شود هر بوم (د ۳۳) اما خداوند میفرماید عهدیکه بعد از این
با خاندان اسرائیل می بندم اینست که شریعت خود را بدرون ایشان
بنماید از ادبقت ایشان خواهم نوشت و از برای ایشان خداوند
ایشان نیز بمن قوم خواهند بود آیه (د ۳۴) و بار دیگر کسی همسایه اش
و شخصی برادرش تعلیم داده نخواهد گفت که بجز الاعتراف نما
زیر که خداوند به کلی ایشان را کین و هین من اعتراف خواهند نمود
هنگامیکه عیسایان ایشان را عفو نموده گناه ایشان را بار دیگر ذکر نمایند
انتهی این وحی مبارک نیز ضرر حکمت بر اینکه خداوند بانی استرا
عهد تازه خواهد بست و شریعت جدیدی بایشان تعلیم خواهد
فرمود و آن شریعت موجب غوث ابدی و بزرگی دائمی اسرائیل
خواهد گشت برنجی که در کتاب اشعیا و نیز وعده داده شده

پس روشن و اسکار شده که شریعت اصلیه الهیه لباس تازه خواهد
پوشید و قانونهای دیانت و خداپرستی تجدید خواهد شد
و این وحی را عیسویان که ظهور حضرت عیسی علیه السلام حمل خواهند نمود
چکه در تمام این فصل صریح است بر اینکه این عهد وقتی با خاندان
اسرائیل بسته خواهد شد که احفاد حضرت خلیل در جمع قطار
عالم مشرق و ذلیل باشند چنانچه الیوم مشهود است پس از
این عهد خداوند ایشان را از اقطار عالم جمع فرماید و نوعی بعزت رساند
که بار دیگر از مملکت خود برکنده نشوند و ذلیل طوائف نگردند چنانچه
در آیه ۴ که آخر همین فصل است و تمامی دره لا
و خاکستر و بکلی مزارع تابه نهر قدرون و شرقاً تا بکوشه دروازه اسپها
از برای خداوند مقدس گشته بار دیگر کنده و منهدم ابد نخواهد
شد انتهی پس چون در اوقات ظهور حضرت عیسی علیه السلام
بنی اسرائیل در ملک خود ساکن و عزیز بودند و تقریباً سی هشت
سال بعد از حضرت عیسی علیه السلام بیت المقدس بتوسط طیطوس رومی

و پراکنده گشتند آنکه در زمان خلافت عمر ابن الخطاب و علیه اعراب
بکل از توطن در اراضی مقدسه ممنوع شدند و آن مملکت آباد گشته چرا
و در آن شد احد و در این زمان حالت ویرانی و خرابی مایه است
لذا این فریضی را بطور عیسی حمل نمود و این عهد جدید را بر
عیسی توان دانست بلکه چون شیره آیات این کتاب است
(توراة) در مسائل انحصار حیت بر اینکه در درجات بنی اسرائیل
وغت ایشان موقوف بدو شرط است یکی پراکنده یکی
دخالی کلی آو لاجانکه الی حال واقع شده است دوام عزت
و آبادی ابدی که منبسط بر کرد دلیل نشوند علی بن خوین قطع و صریح
توان گفت که کتاب خبری از ظهور حضرت عیسی نیست جز چند
اشاره محمل و لکن تعقل نخواهد نمود اینرا که اول الالباب و کسی که
نزد او علم کتاب با جمله چون علمای ملت فخر اسرائیل
بحکم آیه سابق تواند دانست که در سخنان اخراجی ایشان

تجدید خواهد شد و ظاهر احکام (توراة) تغییر خواهد یافت محتاج
بذکر ادله دیگر نیستیم مغذک مختص تکمیل بیان معروض میسید ام
که دلیل دیگر بر تغییر شریعت (توراة) اینست که شریعت
مقدسه که در (توراة) خداوند تشریح فرموده موقوف بود بوجوه
و اشخاص مخصوص و اکمله مخصوص که این کلی بر خواننده کان (توراة)
پوشیده نیست و نیز خبری با یکدیگر متعلق است با اشخاص مخصوص و
زمان مخصوص و اکمله مخصوص اینست در سفر لویان در
فصل (۱۸) آیه اول و خداوند بموسی بدین مضمون گفت
که با بنی اسرائیل مکلم شد و بایشان بگو که خداوند خدای شما
نم مثل اعمال زمین مصر که در آنجا سکونت داشتید عمل نمائید
و مانند اعمال اهل زمین کنعان که شما را با بنجامی آوردم رفایر
و بقا نوبهای آنها سلوک ننمائید احکام مرا ایجا آورده و وفا
نمایند

پس قانهای آنها سوگ نمایند خداوند خدای شماستم پس قانهای مراد
و احکام که اگر بخا آورد موجب حیره او خواهد بود نگاهدارید خداوند منم

ایضا در فصل ۲۳ آیه ۹ در سفر لویان خداوند موسی بدین
مضمون گفت (۱۰) که بنی اسرائیل مکلم شده با ایشان بگویند که

بر منی که شما می دم در می آید و محویش را میدر وید یکدسته از نو بر محوشت

خود تا نزد کاهن بآوردید ایضا در فصل ۲۵ سفر لویان آیه
۱۰ و خداوند موسی در کوه سینا بدین مضمون گفت (۲) که بنی اسرائیل

خطاب کرده با ایشان بگویند که شما می دم در آمدن شما بر منی که شما می دم

از زمان باید سبت آرامی را چه خداوند نگاهدارید ایضا در سفر

کتاب شنی در فصل ۲۴ آیه ۱۱ و امثال ای نی اسرائیل فرایض

و احکامیکه در باره بجا آوردن آنها شما را تعلیم میدم بشنوید

تا آنکه رنده ماده داخل شوید و زمین که خداوند خدای ایامی شما

بشاید

آیه ۵) پسین که شمارا که تو این و احکام بنوعیکه خداوند میدم

مر امر فرموده بتعلیم نمودم تا در میان منی که چه از پیش در آن

در منی آید چنین بجا آورید ایضا در فصل ۳۱ آیه ۱۳ میفرماید

پس عهد خود که شمارا بعمل نمودش امر فرموده یعنی کلمه که آنها

بر در لوج سکنی تحریر نمود شما اعلام فرمود آیه ۱۴) و در آن

زمان خداوند مرا مورد داشت که تو این و احکام مرا بتعلیم دهم

تا در زمینیکه چه از پیش آن عبور نمایند آنها را معمول دار ایضا

در همین سفر شنی فصل ۲۴ آیه ۱۵ میفرماید بنا بر این تو این

و امرش را که امروز تو را امر میفرمایم نگاهدار تا آنکه تو را در وقت

تو را بعد از تو نیکو باشد و در زمانت را در تمامی اوقات

در زمینیکه خداوند خدایت بتو میدهم طویل نماید ایضا در فصل

۲۵ کتاب شنی آیه ۱۶ میفرماید پس موسی تمامی بنی اسرائیل را

طلبیده ایشانرا گفت که ای اسرائیل تو این و احکامی که

بشاید

بجه معمول داشتن محفوظ دارید استی اگر بخواهم آنچه در کتاب سبطا
توره اخبار وارده تمام احکام توره که فوط است بکمان
وزمان و اشخاص مرقوم این بنده را فراغی نه و این صحیفه
میش از این کنجایش نه والا بر محققین واضح و معلومست که نصف کتاب
ثنی شاه است بر آنچه عرض شد اینست که امروز اید احکام از حکام
مقرره در توره معمول نبی اسرائیل نیست و تمامی احکام معموله
احکامیت که علما و از روی انجاء و ناچارسی برای نبی اسرائیل وضع
نموده اند پس چون علماء تواند احکام توره را تغییر دهند و
آنکه ابدانادوی نیستند چنانچه در توره ثنی فصل ۴ آیه ۲۰
بجلا میکه شمارا امر فرمودم نه زیاد و نه کم نماید تا که او امر خداوند
خدای خود را که منج امر فرمودم مرعی دارید پس چگونه است
که خداوند تواند توریط بنمبران شرعیه را تجدید نماید مقام
بشارت بائیت که در کتب مقدسه بر این ظهور وارد شده
و اگر در کتاب توره...

و تعیین زمان نه و همه ظهور وارد و این قسم از حد کنجایش این صحیفه پرست
و بارای تمام مرام سجد آیه در این مقام الکفا خواهیم نمود از جمله آیه در
از فصل ۳ سفر توره ثنی بجه از ظهور عظمی ما و در و یوم قیامت
و نجات نبی اسرائیل بلکه نجات تمام اهل عالم اخبار فرموده است
میرماید خداوند بر آمد از سنی و تکی کرد و از سعیر و در خشم از فاران
و ظهور خواهد نمود با هزاران هزار مقدس از غیش ما ایشان شریعت
ایش خواهد رسید استی و این آیه مبارکه صریحت بر آنکه ماند
آنکه خداوند در سنی از شجره مبارکه طیبه ظاهر شد و شریعت مقدسه توره
برای نجات از بت پرستی ما ایشان غیایت فرمود و همچنین در مقام
کا که در یوم زوال غرت سمکارانت و غلبه ستمیده کان با هزاران
هزار مقدس ظاهر خواهد شد و بشریعت جدید ایشان علماء را از روش
اختلاف و ظلم مظهر خواهد ساخت و لکن بان آنکه این ظهور بزرگ در
زمان و چه مقام واقع خواهد شد در مسائل اینها ذکر شده
چنانچه بعضی خواهد رسید و ایضا در مزمور از زبور حضرت داود

اید استقیم هستی و ذکر لولیت بیت است (۱۳) تو بر خواه
 بصیتون ترحم خواهی فرمود چونکه زمان محبت نمودت با آن ملکه
 زمان معین رسیده است (۱۴) زیرا که عابراست از شکرها
 آن محفوظند و بحال آن تبرک بخوندا ره (۱۵) اما که لطائف اراقم اند
 و تمامی ملوک زمین از جلال تو ترسند (۱۶) هنگامیکه خداوند
 صیتون را بنامناید در جلال خود ظهور خواهد نمود (۱۷) این از برای
 نسل آینده نوشته میشود تا قومیکه آفریده میشوند خداوند را
 نمایند اتقی این آیات صریحت که پس از حضرت داود بر آنها
 اخرا ظهور بزرگ با عظم اسما ظاهر خواهد شد و شکسته گان و ستمکاران
 را نجات خواهد بخشید و اراضی مقدسه را عبادت گاه مقدس
 خواهد فرمود ملاحظه فرمائید که در آیه (۱۸) بجه صراحت قفس
 که هنگامیکه خداوند صیتون را بنامناید در جلال خود ظهور خواهد فرمود
 و این معلومت که مراد ظهور عسی غیبت زیرا که صیتون در ایام
 ظهور آن حضرت آباد بود و پس از آن حضرت بدست رومیان
 خاک گشته است

و غمانی نماند و در این زمان مایمال و دیرانش در این من شریف دوی آباد
 و محل امید دانشندان عالم شده و بزودی شرافت و آبادی آن مکان مقدس
 بجای خواهد رسید که مقصد جهان و قبله ایشان گردد ایضا در آیه (۱۹) فضل
 ۹ کتاب اشعیا یفرماید زیرا که از برای دلدی زایده و برای ایبری
 عطا کرده شده است که سلطنت در دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و عظیم
 و خدای ضرور و الد جاوید و سرور سلامت خوانده خواهد شد ایضا
 از آیه (۲۰) ال (۹۰) از فصل (۲۵) کتاب اشعیا یفرماید خداوند
 لنگر با در این ضیافتی از پرور بیا و بیا و بیا از شرا بهای پروردگار
 یعنی از نعمات پر برنج و از شرا بهای معفا برای تمامی قایل خواهد
 و در این کوه رو پوشیده بر تمامی قومها پوشیده است و ستمی که بر آنها
 قایل گسترده بر خواهد چید و مرکز ابدانا بود خواهد کرد و خداوند
 خدا را انگهار از هر چهره پاک خواهد کرد و سرشش قوم خود را از میان
 روی زمین رفع خواهد کرد زیرا که خداوند گفته است (۲۱) آرزو
 گفته میشود که اینک خدای ما که مظهر او بودیم اینت از نجات او
 بسرور و شادمانیم اشش این دو وحی مبارک صریح و ظاهر است
 که در کوه مقدس کرمل ظاهر خواهد شد و با اسم عظیم و پیر اسما بیوسوم

و صد مائیکه بنی اسرائیل با آن در کل قطعات عالم هستند از تمام زمین خواهد نمود
 و مرکز این کفر و شرک و بت پرستی را از جمیع عالم محو خواهد فرمود و صد
 بر اهل عالم از کثرت اختلاف مذاهب وارد است زایل خواهد شد
 و اهل مذاهب مختلفه را بر طالب و خفایای امور و عقاید یکدیگر مطلق خواهد کرد
 و عدم دلالت این کلمات بر ظهور حضرت عیسی روشن و واضح است چه
 که آنحضرت خود را این خوانند و با سبب معروف گشته و سرزنش بنی
 اسرائیل را از عالم محو نموده بلکه بطور عیسی سرزنش و صد مات بنی اسرائیل
 متوجه شد و بلا یا برایش منصوب گشت بی امروز است مقصود از آن
 وحی مبارک که در آن ارض مقدسه سال یکگذرد که تمامی اهل آن حدود
 از مسلم و یهود و عیسوی و غیرهم بر خوان احسانش مهیا نشوند و
 یکگذرد که در محضر مبارکش با شریبه لطیفه روحانی که عبارت است از وحی
 آسمانی و بیانات الهیه محفوظ گردند و بر حسب ظاهر از اغذیه لطیفه
 و اشربه لذیذ و قیمت برند امروز است که مذای ارباب آن وجود
 مبارک اقدس همان شایعات و الواح در کل عالم مریقع و بشارت
 ظهور پدر آسمانی و ورود ملکوت ربانی تمام ملوک بالغ گشته و اهل
 قبایل رعقاید یکدیگر بطور پیوسته و غمگین بدست و بازوی و
 باط مذاهب مختلفه را از عالم بر خواهد چید و جهانیان را بر بندگی واحد
 متفق خواهد فرمود و این بشارت از انوار آسمانی عالم

قطع و زایل خواهد نمود ایضا در کتاب اشعیا فصل دوم آیه را در عبرت
 اینک خداوند خدای قدیمی آید و باز وی خودش از برای خود سلطنت
 خواهد نمود اینک فردش با او و اجرتش در حضورش میباشد ایضا
 در کتاب حضرت اشعیا فصل دوم آیه را میفرماید جلال خداوند
 جلوه کرد که در دو که تمامی شرعیها خواهند دید زیرا که دلمان خداوند
 چنین فرموده است خلد صه اینهاست مختصری از بشارات کتاب
 که کف نموده و فتح الباب برای شاخ بنی اسرائیل غرض است اگر بنحو اهم
 تمام بشارتهای رسایل انبیا را که صریح بر این ظهور اعظم است فخره
 بقره ایراد نمایم بر اینه این صحیفه کتاب میوه می خواهد شد و اکنون
 اقصای آن نیت و این عصبه را فراغت تحریر و تصنیف نه و اما بشارت
 که تریخ و معنی است در کتاب ارد شده است صریح تر از همه
 کتاب حضرت دانیال است و اگر چه تمام مکاشفات آنحضرت
 نعیس وقت ظهور اعظم است و لکن این بشارت سه فقره آن اکفا
 و اختصار نمایم شاید خداوند بر طولین خانه داده جلله حضرت
 را از آن بشارت بشارت بشارت بشارت بشارت بشارت بشارت بشارت

Prophecies from
 Daniel indicating
 the time of the New
 Manifestation.